

توصیه یک نیایش مانوی به خیرات دادن*

ورنر زوندرمان

ترجمه دکتر ندا اخوان اقدام**

وعده غذایی روزانه برگزیدگان بخش اساسی از زندگی گروهی و مناسک مانوی است^(۱). برگزیدگان گیاهخوارند غذایی که غنی از ذرات نور بهشت روشنی^(۲) است و عمل گوارش سبب می‌شود تا ذرات نور دوباره آزاد شوند و امکان بازگشتشان به بهشت روشنی مهیا گردد. از اینرو وعده غذایی گروهی که روزانه و گویا هر غروب^(۳) برگزار می‌شد را می‌توان با رستگاری و قدمی به سوی بازپس‌گیری تمامیت ذات روحانی یکی دانست و به همین سبب می‌توان آن را خوراک مقدس خواند.

برگزیدگان غذایی که می‌خورند، لباسی که می‌پوشند و سرپناهی که برای شب نیاز دارند همه را پیروان عامه آیین مانوی یعنی همان «نیوشاگان» برای‌شان فراهم می‌کنند. خیرات دادن به برگزیدگان در آیین مانوی بخشی از مراحل رستگاری نیوشاگان است. این کار آنان را به جامعه مانوی ملحق می‌سازد و از اعضای رده پایین جامعه مانوی می‌شوند. هاش. پوئش^۱ چنین می‌گوید: «سرانجام این گروه در میان مانویان پذیرفته شدند. به نیوشاگان اجازه داده شد تا اعمالی را انجام دهند و همین اعمال آنان را به نیکی سوق داد و نتیجه آن شد که وارد جامعه مانوی شوند. آنان به واسطه برگزیدگان و کمک آنان توانستند جذب آیین روشنائی^(۴) شوند یا بهتر بگوییم که در کنار برگزیدگان قرار گیرند و با آنان در یک فضای عارفانه روحانی یکی گردند»^۲.

بنابراین عمل ساده واگذاری خیرات نیوشاگان به برگزیدگان می‌بایست اهمیت ویژه‌ای داشته باشد و می‌توان ثابت کرد که انتظار می‌رفته تا این کار به شیوه رسمی و تشریفاتی همراه با ادای واژگان خطاب و خواندن سرودها انجام شود. برای اطلاعات بیشتر در مورد واگذاری خیرات و وعده غذایی برگزیدگان و اهمیت مذهبی

*این مقاله ترجمه‌ای است از: "A Manichaean Liturgical Instruction on the Act of Almsgiving" برگرفته از کتاب

The Light and Darkness Studies in Manichaeism and Its World, ed. Paul Mirecki & Jason Beduhn, Leiden, 2001, pp.200-208

**عضو هیأت علمی پژوهشکده هنر و پژوهشگر گروه پژوهشی یادگار باستان

1. H.-Ch. Puech

2. H.-Ch. Puech, *Sur le Manichéisme*, Paris 1979, pp.267-268.

این اعمال می‌توان به مقاله مفصل و شاهکار جیسون دی. بودون «خوراک مقدس مانوی»^۱ رجوع کرد که جایگزین تمام پژوهش‌های پیشین در این زمینه شد.

متنی که اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد قطعه کوچکی به فارسی میانه ترفانی با شناسه M 546 است.

دیباچه: سرودهایی	(5) hl/v/* nwyst m(h)[r](C)n*
برای ایزدان ^(۶)	(6) hl/r/* (bg)n r'y *
پیشکشی نیک،	r/1/(p)'rg ⁽⁸⁾ 'yg nyw 'yg
سرشار از سلامتی. آن را بپذیر،	2/p(wr dr)wd ⁽⁹⁾ *pdyrwš tw
ای سرور، و شاد باش!	3/xw(d)'y u š'd ⁽¹⁰⁾ bš
آنان را دعای خیر کن ^(۱۱) و ببخش	4/[ʔW](š)n '(pwr u) hyl
گناه ^(۱۳) [آنان] را برای همیشه!	5/[ʔ](s)tr ⁽¹²⁾ 'w j(C)d'n
	(یک سطر خالی است)
از ایزدان بهشتی آمد ^(۱۵)	6/'md 'c b'n y b(r)[yst] ⁽¹⁴⁾
[]	7/[](C)[]
این سروده‌ها برای پیشکش‌ها	v/1/ 'ymyn mhr'n 'y p't[gl]
هنگامی که آنان ^(۱۶) می‌آورند آنها را در حضور	2/ rw'ng'n r'y k' p'yš
سروران، آنان ^(۱۷) می‌خوانند برای این «کار روحانی»	3/ s'r'r'n "wynd
آهنگی زیبا	4/ sr'ynd pd '(w)[z]
در پاسخ ^(۱۸) [به]	5/ 'y x(w š) ** pd pdw'(c)['y]
محبوب ^(۲۰) و [] ^(۲۱)	6/ f(r)[y](C)ng'n 'w[d 3-5] ⁽¹⁹⁾
با خوش یمنی و نیک فالی ^(۲۲)	7/ [pd ny](w) mwr(' u jd)g

در ادامه دربارهٔ ۱) خیرات دهندگان ۲) دریافت کنندگان خیرات ۳) خود خیرات ۴) سرودها ۵) ترتیب وقایع و ساختار متن توضیح خواهیم داد.

خیرات دهندگان

خیرات پیشکش‌هایی از جانب نیوشاگان و نیز مشارکت آنان در امر آزاد سازی نور در آیین مانوی است. این تصور که آنان پیشکش‌های خود را به نماینده‌ای از مجمع روحانیان تقدیم می‌کردند طبیعی است گرچه که هیچ متنی بدان اشاره نکرده است اما این نکته نتیجه مطالعات تطبیقی بودون در این زمینه است.^۲

گویا تنها متن معروف «طومار دیر»^۱ این نتیجه‌گیری را نقض می‌کند. در این متن آمده: «هنگامی که خدایان (همان روحانیان رده بالا) پشت میز می‌نشینند آن‌گاه دو xrw'x'n (یا همان xrōhxwānān یا واعظان)^(۳۳)

1. Jason D. BeDuhn, "The Manichaean Sacred Meal", 1996, pp.1-15

2. BeDuhn 1966, p.5

توصیه یک نیایش مانوی به خیرات دادن ۵۱۳

باید غذا و نوشیدنی را در حالت ایستاده به $y\tau\gamma/ny\ z\acute{m}'sty\acute{k}$ (۳۴) تقدیم کنند و سپس باید پشت میز بنشینند. (۲۵) این شرح توضیحات متفاوتی را در پی خود دارد از جمله این که نیوشاگان هدایای خود را از پیش می‌فرستادند و سپس $xrwx'ns$ آن را بر سر وعده غذایی می‌آوردند زیرا که نیوشاگان به این مراسم پراهمیت جامعه مانوی راه نداشتند. به نظر می‌رسد که سیر همین وقایع نیز در این متن رخ داده است.

دریافت کنندگان خیرات

صفحه سمت راست با سطرهای ۵-۱/ با خطابی رسمی به یک «سرور» ($xwd'y$) آغاز می‌شود. معنای آن کاملاً مشخص نیست تنها چیزی که می‌توان گفت اینست که $xud\acute{a}y$ می‌تواند به روحانی بلند مرتبه اشاره کند و یا این که می‌تواند یک سرور، آموزگار، اسقف، روحانی سرپرست دیر و یا حتی $xr\acute{o}hxw\acute{a}n$ باشد. مورد دیگری که می‌توان مشابه این یافت قطعه M 31 سروده‌ای به فارسی میانه است که به افتخار مقامات مذهبی سروده شده و آندره آس و هنینگ آن را منتشر کرده‌اند.^۲ آنچه که از متن باقی‌مانده نشان می‌دهد که ستایشی در وصف سالاران، آموزگاران و اسقف‌ها است.

همهٔ اینان خدا ($Xwd'y$) خوانده می‌شوند.^۳ در یک سروده کوتاه به آموزگار و اسقف القاب غیر قابل تمیزی داده شده:

'md nwg prh nwg dydym 'wd pymwg 'y br'z'g 'c' whmn 'wd by hmwe'g 'w pyš tw xwd'y * pdyrwš pd pryh * š'd b's 'wd wyštyr * 'wr' pd š'dyh 'w pyš xwd'y nyw

«در پیشگاه شما ای سرور، فرۀ نو، دیهیم نو و جامه‌ای درخشان از جانب بهمین^(۳۶) و ایزد آموزگار آمده است. آن را با عشق بپذیر، شاد و کامروا باش. با شادی در مقابل سرور با شکوه حاضر شو.»^۴ نخستین سرور ($xwd'y$) همان اسقف و سرور بعدی آموزگار است.^۵ این متن آن‌طور که به جلمانده قابل اجرا در موقعیت‌های مذهبی متفاوتی است و می‌تواند خطاب به هر یک از اعضای طبقه روحانی از سرور تا اسقف و به طور مشخص از سرکرده روحانیان تا واعظان باشد.

/v/3/ در مورد سرکرده‌ها $s\acute{a}r\acute{a}r\acute{a}n$ است. $s\acute{a}r\acute{a}r$ در M 31 و جاهای دیگر به «سالار» رئیس جامعه مانوی که $s\acute{a}r\acute{a}r\acute{a}n$ سالار دین نیز گفته شده اشاره دارد.^۶ اما این نمی‌تواند منطبق با معنای این کلمه در متن موجود باشد زیرا در این متن صورت جمع آن یعنی $s\acute{a}r\acute{a}r\acute{a}n$ آمده است. در صورتی که در هر زمان تنها می‌توان یک سالار داشت. از این‌رو سالار $s\acute{a}r\acute{a}r$ نه در مفهوم تخصصی‌اش یعنی «رئیس، سرکرده» بلکه باید با معنای اصلی‌اش تفسیر شود. در متن M 546 این سرکرده‌ها روحانیان رده بالایی هستند و مفتخرند که پشت میز بنشینند و در انتظار برادران دینی خدمتگزار خود باشند.

1. "Monastery Scroll"

2. *Andreas and Henning, 1933, pp.327-330.*

۳. ر.ک. به ارجاعات داده‌شده در *Andreas and Henning, 1933, p.349b*

4. *Andreas and Henning, 1933, p.329.*

5. *Andreas and Henning, 1933, p.329, nn.5 and 6.*

6. f. *Andreas and Henning, 1933, p.327, n.1.*

خیرات

خیرات را می‌توان معادل *pārag* «هدیه، پیشکش» در /r/1/ و /v/1/ دانست که معنای منفی آن «رشوه» است.^۱ در متن فارسی میانه M 59 I/v/12-13 با بار معنایی مثبت خود ظاهر شده است:

pd nwg rwc '(y) š'dyh (md) hynd p(d) p'rg (p)rystg'n

«در روز شادی سال نو فرشتگان با پیشکش‌ها آمده‌اند»

در متن فارسی میانه M 325 /v/7-8/:

p'rg 'y ywjdhr bw'm

«باشد که پیشکشی مقدس شوم»

و نیز ر.ک. به متن فارسی میانه M 727a /v/5-7/:

'wd pdyst'wg'n ny pry'dynd pd h'n rwc (') [y] wdmg

«در آن روز سختی هدیه، پیشکش و وعده کمکی نمی‌کند.»

واژه شناخته شده‌تر برای خیرات در /v/2/ آمده که همان *rw'ng'n* (صورت پارتی آن *rw'ng'n*) است که می‌توان به صورت واژه‌ای مبهم «پیشکشی» برای روان «*rw'ng'n (p'rg/d'sn)* (روانگان)^(۲۷) آن را تفسیر کرد. معادل ترکی آن به صورت *üzültüg iš* «کار روان» است گرچه که بیشتر «**rw'ng'n (k'r)* «کار روان»^۲، و در غیر این صورت **rw'ng'n 'sp's* «خدمت روان «پیشنهاد می‌شود.»^(۲۸) به هر حال *rw'ng'n* معنایی بیشتر از پیشکش‌های خوراکی از طرف نیوشاگان دارد و شامل تمام دیگر خدمات اجباری از جمله ساختن دیر و فراهم کردن سرپناه، پوشاک و غیره نیز می‌شود.^۳ متن ترکی خواستوانیفت اشاره به هفت گونه از «هدایا» می‌کند (*yiti türlüg pušii*) بدون ذکر این که این پیشکش‌ها چه هستند.^۴

سرودها

دو سرود در این بخش آمده که هر دو به یقین از سرودهای خیرات‌اند. تنها سطر نخست از هر دو سرود باقی مانده اما کافی است به دنبال شباهت این سرودها با متن سرودهای تأیید شده در مجموعه تورفان باشیم. متأسفانه پژوهش درازمدت من در این زمینه به نتیجه رضایت‌بخشی منجر نشد. اگر که برداشت من از کل قطعه صحیح باشد نخستین سرود، *āmad az bān ī bārist* را خیرات دهندگان می‌خوانند هنگامی که خیرات خود را تقدیم برگزیدگان می‌کنند. آنچه که در مورد این متن می‌توان گفت اینست که عبارت‌های *bān ī bārist* «ایزدان بهشت» و *āmad az bārist* «از بهشت آمد» به قدر کفایت اثبات و اغلب در سرودهای فارسی میانه تکرار شده‌اند. بدین ترتیب که در متون داریم *thmyy pdyryd * 'c b'n 'y b'ryst* «نیرو را از ایزدان بهشتی دریافت می‌کند» (M 82 /r/10-12/=M 235) و *'y'd zwr 'z b'n 'y b'ryst* «نیرو می‌تواند از ایزدان بهشتی بیاید» (M 68b II/r/10-)

1. Henning, 1944, p. 139, n.5.

2. Henning, 1944, p. 143, n.6.

3. Andreas and Henning, 1933, p. 317, n.2.

4. J. Asmussen, *xvāstwānīft: Studies in Manichaeism*, Copenhagen, 1965, pp. 176, 197, II. 221-222, 232.

mbrym 'w b'n 'y b'ryst (M 223 I /t/5) «ایزدان بهشتی را می‌ستاییم» (1/v/3-4) [pw](r)ym 'w b'n 'y b'ryst «ایزدان بهشتی را می‌ستاییم» (M 315 II/v/6) «ایزدان می‌توانند شما را از بهشت متبرک سازند» (M 7421 /8) و نیز برای بخش نخست این عبارت: 'md 'c b'ryst rwn šhry'r «فرمانروای روشنی از بهشت آمد» (M 212 /2/ = M 5756 /4-5) ، (M 212 /2/ = M 5756 /4-5) «از بهشت بهترین واژه» 'md 'c b'ry(s)[t] (w)hmn wysp(wy)w)xš «ایزدان بهشتی را می‌ستاییم» (M 234 /v/10-12) «فرستاده بزرگ از بهشت آمد» (M 394 /t/9 = M 468b/6) اما به نظر نمی‌رسد که عبارت āmad az bān ī bārist «ایزدان بهشتی را می‌ستاییم» (M 68 II) که توضیح می‌دهد باشد با این حال نقل عبارت‌ها با ساختارهای مشابه غیر ضروری نیست. یکی از آنان M 68 II که توضیح می‌دهد bān ī bārist چیست. اینان علاوه بر خورشید و ماه، بر «نیروی قدرتمند» و بهمن، اندیشه روشنی، نخستین بخش از بهشت روشنی دلالت دارند.^۱ به نظر می‌رسد که «ایزدان بهشت» خدایان قابل توجهی‌اند که خاستگاه (و مکان؟) شان مافوق اجرام آسمانی ماه و خورشید است.

همین موضوع در مورد سرود بعدی نیز صادق است یعنی pad nēw murwāh ud žadag و اگر که درست حدس زده باشم پاسخ برگزیده به خیرات دهندگان است. ساختارهای مشابه با آن از این جمله‌اند:

'md nwg [mw]rw' 'bzwn 'wd j[dg 'y hw]m'ywn

(M 31 II/t/19-20/ in: *Andreas and Henning, 1933, p.329*) «خوش یمنی نو و افزونی و نیک‌بختی آمده‌است»

'wr pd nwg jdg 'wd nyw mwrw'h(')

(*Henning, 1937, II, 409-410, M 7351 /1/*) «با خوش‌یمنی و نیک‌بختی جدید بیا»

"y'd pd nwg nyw' mwr(w) ** n(w)g jdg 'wd nyw pyš'r

(M 339 /8-10) «باشد که با خوش یمنی نو، نیک‌بختی نو و پیشوای نیک آید»

nwg jdg nwg mwrw(') *

(M 797 I /v/6) «نیک‌بختی نو، خوش یمنی نو»

'y'd nwg mwrw'h pd jdg 'y š'dyy 'c yzd rwn zwr 'wd whyh

(1863 /6_10) «خوش یمنی نو می‌تواند با نیک‌بختی ناشی از شادی از جانب خدا، روشنایی، نیرو و خرد بیاید»

ترتیب وقایع و ساختار متن

آنچه که باعث تمایز متن M 546 از دیگر قطعات مشابه مجموعه تورفان می‌شود همان راهنمای مفصلی از مراحل مرتبط با نیایش در صفحه سمت چپ و متن خطابه‌ای با ساختار نثر در صفحه سمت راست است. تمام این اجزا از جمله خطابه‌ها، سرودها و توصیف عمل مناسک همه با هم مراسم خیرات را می‌سازند که یک مراسم با شکوه را طراحی و برنامه‌ریزی می‌کند.

بسیار جای تأسف است که این متن تنها قطعه‌ای از یک متن کامل است، در به‌کارگیری اصطلاحات، دقیق نیست و نیز در توصیف مراحل اجرای مراسم افتادگی دارد. این که یک ضمیر جایگزین اسمی خاص شود اتفاقی است که در اغلب متون رخ می‌دهد و جای تعجبی ندارد. به یقین نویسندگان و خوانندگان متن می‌دانستند

1. Cf. *Andreas and Henning, 1933, p. 328, n.2.*

«*xudāy* و *sārārān* و *frīyānagān* چه کسانی بودند و مرجع ضمایر «او» (مذکر)، «آن» (بی جان)، «آنان» (مفعولی) چه چیز و چه کسی بود.

اگر فرض بگیریم که کاربرد ضمایر مفرد و جمع در /t/2,4/ به مراجع متفاوتی دلالت دارد بنابراین ضمیر مفرد -aš می‌تواند به خیرات دلالت کند که در /t/1/ به صورت واژه مفرد *pārag* ظاهر می‌شود. ضمیر جمع *-šān* می‌تواند به نیوشاگان دلالت داشته باشد که از طرف گوینده (اگان) این سطور طلب بخشش گناه می‌کنند. این افراد میانجی باید از روحانیان باشند که از گناه نیوشاگان معاف هستند. فرد مخاطب آنان «خدا» (*xudāy*) خوانده می‌شود که باید روحانی بلندمرتبه و مافوق افراد میانجی باشد. این موقعیت یادآور مراسم اهدای خیرات در متن معروف اویغوری «طومار دیر» است که پیش از این نیز نام آن برده شد: *xrōhxwānān* غذا و نوشیدنی را در حالت ایستاده به *'yt'ny zm'styk* که معنای آن مبهم است اهدا می‌کنند. همین و یا شرایطی مشابه با این را می‌توان از متن مورد نظر ما در /t/1-5/ دریافت کرد.

پس از آن سطر نخست سرود است. /v/5-6/ خاطر نشان می‌سازد که سرود دیگر با /v/7/ آغاز می‌شود و پاسخی به آواز *frīyānagān* است. از آنجایی که این «انسان‌های محبوب» همان نیوشاگان هستند، سرود «از ایزدان بهشتی آمد» در صفحه سمت راست را باید نیوشاگان می‌خواندند که هنوز در مراسم حاضر بودند. در صفحه سمت چپ آمده که «آنان» می‌آورند «آنها را» (یا «آن را») نزد «سرکرده‌ها» و این بدان معنی است که اگر ساختار «طومار دیر» را مدنظر قرار دهیم چنان خواهد بود که *xrōhxwānān* همراه با *'yt'ny zm'styk* خیرات را به اعضای عالی‌رتبه روحانی می‌رسانند. جامعه برگزیده خیرات را با سرود «با خوش بینی و نیک فالی» پذیرا می‌شوند. می‌توان حدس زد که بخشی از کار خیرات‌دهندگان در اینجا خاتمه‌یافته و مراسم خوراک مقدس برگزیدگان که با منع ورود مردم عادی همراه است اکنون شروع می‌شود.

ممکن است متعجب شوید که در این تفسیر به فردی از مقامات مذهبی مانوی اشاره‌ای نشده است که بنا به «راهنمای آموزه‌ها و سبک‌های آموزش مانوی، بودای روشنی»^(۲۹) بیشتر از هر فرد دیگر مسئول انتخاب درستی خیرات و چگونگی عملکرد بود. این فرد همان *ehuanjiansaibosai* یا **arwānagān-ispasag* «خادم خیرات» است که این عنوان دوباره به پارتی تغییر یافته است.^۱ در اصل می‌توان گفت که عنوان *arwānagān-ispasag* در متون مانوی ایرانی دیده نشده‌اند.

توضیح در مورد مناسک مربوط به خوراک مانوی را به تفصیل می‌توانید در اثر زیر دنبال کنید:

Jason D. BeDuhn, "The Manichaean Body In Disciplines and Ritual, Baltimore & London 2000.

یادداشت‌ها

۱. عنوان کتاب‌های زیر در این مقاله به اختصار آمده‌است.

Andreas and Henning, 1933- Mittleiranische Manichaica aus Chinesisch-Turkestan II, in: SPAW, Phil.-W.B. Henning, Selected Papers I, Leiden, Téhéran, Liège, 1977, pp. 191-260 = hist. Kl. Berlin, pp. 292-363

BeDuhn, 1996. برای "The Manichaean Sacred Meal", in: *Turfan, Khotan und Dunhuang*, ed. R.E. Emmerick e.a., Berlin, pp. 1-15.

Chavannes and Pelliot, 1913. برای "Un traité manichéen retrouvé en Chine", in: *JA 1913*, pp. 99-199.

Hemming, 1944. برای W.B. Henning, *Selected Papers II*, Leiden, Téhéran, Liège 1977, pp. 139-150 ("Murder of the Magi", in: *JRAS 1944*, pp. 139-150).

Tajaddod, 1990. برای *Mani le Bouddha de Lumière*, Paris.

Zieme, 1975. برای "Ein uigurischer Text über die Wirtschaft manichäischer Klöster im Uigurischen Reich", in: *Researches in Altaic Languages*, Budapest, pp. 331-338.

۲. بهشت روشنی همان جایگاه پدر بزرگی یا زروان است (م).

۳. حتی در متون مانوی شرقی قاعده بر این است که وعده غذایی گروهی غروب برگزار می‌شد. (BeDuhn, 1966, p. 4) اما نویسنده چینی‌ای با نام Hong Mai (سده ۱۲) در یک وعده غذایی برگزارکنندگان در میانه روز شرکت می‌کند. (S.N.C. Lieu, *Manichaeism*)
۴. لازم به ذکر است که این تأثیر بودایی بر قوانین اجتماعی مانوی است. راهبان بودایی نیز یک وعده غذایی در روز داشتند که ملزم بودند آن را قبل از ظهر برگزار کنند. ر.ک. به K. Kudara, W. Sundermann, "Zwei Fragmente einer Sammelhandschrift buddhistischer Sūtras in soghdischer Sprache", in *Aof* 14, 1987, pp. 338-348 که در آن سوتره سغدی بودایی در مورد زمان مناسب (برای خوردن غذای روزانه) منتشر شد.

۴. نام دیگر آیین مانوی (م).

۵. با جوهر قرمز

۶. با جوهر رنگ پریده قرمز

۷. واژه پارتی است. قطعی نیست که سرسطرهای /v/ و /v/ به یکدیگر مربوط باشند و یک متن دنباله‌دار را بسازند. اگر چنین باشد آن‌گاه «ایزدان» می‌توانند همان پنج عنصر روشنی مینوی باشند که در اساس ایزدان گفته شده‌اند و اشارهای است به تنها موجودات مینوی که درگیر دنیای مادی‌اند. (ر.ک. W. Sundermann, *Der Sermon von der Seele*, Berlin, 1997, pp. 86-87).
۸. ایزدان عناصر روشنی هم ذات با ذرات روشنی‌اند که در خیرات دربندند. همان خیراتی که نیوشاگان می‌دهند و برگزارکنندگان آن ذرات را آزاد می‌سازند.

۸. به نظر می‌رسد نقطه پایانی g زینتی در واقع نقطه اعراب برای r است که با جوهر سیاه نوشته شده است.

۹. تا حدودی حروف پاک و درهم فشرده شدند. تنها در مورد حروف p و r و w پایانی می‌توان مطمئن بود.

۱۰. w نیست.

۱۱. برای خیرات‌دهندگان؟

۱۲. حاشیه متن تا خورده و نخستین حرف کاملاً زیر دو نقطه قرمز قرار گرفته است.

۱۳. گناه آنان که خیرات را تهیه، تولید و پیشکش می‌کنند؟

۱۴. عنوان با جوهر قرمز

۱۵. سطر نخست سرود بعدی مانند عنوان با جوهر قرمز و از سطر دوم باز با جوهر سیاه نوشته شده تنها بخش بالایی یکی از حرف‌ها حفظ شده است و همین کافیسیت تا نشان دهد که این سطر تکرار سطر قرمز پیشین نیست.

۱۶. برای مشخص کردن مرجع «آنان» ر.ک. به بخش ۵ از توضیحات در ادامه وقایع.

۱۷. سروران

۱۸. pdw'c (به جای pyw'c) پارتی است.

۱۹. تمام متن 6-1/v با جوهر قرمز نوشته شده است.

۲۰. «محبوب» به یقین اشاره‌ای است به آنان که خیرات می‌دهند. «محبوب‌ها» می‌تواند اشاره‌ای به شنوندگان خطابه باشد. (ر.ک. W.Sundermann, *Mitteliranische manichäische Texte kirchengeschichtlichen Inhalts*, Berlin 1981, p.56, with (note 2)
۲۱. به عبارت دیگر آنانی که از جانب مردم عادی خیرات را به دست برگزیدگان می‌رسانند؟
۲۲. نخستین سطر از یک سرود در پاسخ به سرودهای خیرات‌دهندگان.
۲۳. xrōhxwān (و نیز xrōhwān-xrōxwān و در متون ترکی xrōxān که در خود عنوان xan «خان» را دارد) بنا به متن چینی «راهنمای آموزه و سبک‌های آموزش مانی، بودای روشنی» (Compendium of the Doctrine and Styles of the Teaching of Mani, the Buddha of Light) وظیفه‌ی اخطار و راهنمایی دارد و با ترجمه لغوی این عنوان به «خروش خوان» کاملاً حفظ می‌شود. ر.ک. Chavannes and Pelliot, 1913, p. 113 و نیز Tajaddod, 1990, pp. 62-63, 243. اما متن «طومار دیر» کار خدماتی را به او نسبت می‌دهد از اینرو می‌تواند تأییدی بر نظریه‌ی هنینگ باشد مبنی بر این که xrōhxwānān که پس از روحانیان تراز اول و پیش از برگزیدگان عادی نامشان می‌آید را می‌توان با شماسانی که آگوستین از ایشان یاد می‌کند یکی دانست. (Andreas and Henning, 1933, p. 324, n.5 و رد این نظر در H.H. Schaeder, *Iranica*, Berlin 1934, p.14).
۲۴. در مورد این عنوان در مقاله‌ی زیر چاپ P. Zieme توضیحات جدیدی ارائه می‌شود.
۲۵. Zieme, 1975, p. 335 این نکته جالب است که xrwxs'ns سر میز برگزیدگان حاضر می‌شدند. اما به این نکته که iš ayručī «سرپرست» ترجمه لغوی «رییس کار» (احتمالاً معادل فارسی میانه آن kār-framān «کار فرما» یا همان «ناظر» ر.ک. W.B. مورد ذکر نمی‌شود. از اینرو iš ayručī می‌تواند منصبی غیر مذهبی مربوط به دیر باشد.
۲۶. خرد روشنی
۲۷. روانگان: خیرات و صدقاتی که برای روان بخشش می‌کردند. (م.)
۲۸. وجود چنین واژه‌ای می‌تواند از عنوان arwānagān ispasag «خدمتگزار کار روان» مشتق و نیز از قیاس با چینی آن بازسازی شده باشد. (6) Henning, 1944, p. 143, n. 6 E. Benveniste in: *Études d'Orientalisme, Mélanges Linossier I*, Paris 1932, pp. 155-158. این توضیح جایگزین تفسیر قدیمی گوتیو (Gauthiot) می‌شود تفسیری که هنوز در Tajaddod, 1990, p. 242 به چشم می‌خورد).
29. "Compendium of the Doctrines and Styles of the Teaching of Mani, the Buddha of Light", by G. Haloun, W.B. Henning